



بررسی نقش معلمان و مدرسه در کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از فضای مجازی

مهدی حبیبی^۱، حمیدرضا صحرانورد^۲، امیرحسین فضل^۳

۱،۲،۳ فرهنگی

m.habibi0602@gmail.com

hamidreza1377.rasht@gmail.com

erheref@gmail.com

چکیده

امروزه گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات به گونه ای است که در هر کجای زندگی انسان، جلوه های حضور فناوری اطلاعات و ارتباطات به چشم می خورد. اینترنت و سرویس های ارائه شده در قالب آن، در عین حال که ابراز مفیدی برای کسب و تبادل اطلاعات است اما می تواند مخرب نیز باشد. پژوهش حاضر به روش مروری کتابخانه ای انجام شده است که هدف از آن بررسی نقش معلمان و مدرسه در کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از فضای مجازی بود. نتایج پژوهش نشان می دهد که علل گرایش نوجوانان به اینترنت قابلیت های جذاب اینترنت، پر کردن اوقات فراغت و عدم شکل گیری هویت مطلوب هست افراد وابسته به اینترنت با مجموعه ای از مشکلات جسمانی، روانی و اجتماعی مواجه می شوند. کاربران افراطی فشارهای روانی همچون اضطراب، تنهایی و بی کفایتی و... را بیشتر تجربه کرده و با فرورفتن در دنیای مجازی در ارتباطات دنیای واقعی دچار مشکل شده و مهارت های اجتماعی خود را از دست می دهند.

کلمات کلیدی: مدرسه، آسیب های اجتماعی، فضای مجازی



مقدمه

امروزه، نقش و تأثیر چشمگیر فاوا (فناوری اطلاعات و ارتباطات) بر کسی پوشیده نیست. رشد و توسعه دانش، پایه‌پای رشد فناوری به‌خصوص در زمینه اطلاعات و ارتباطات، فرایندهای تدریس و یادگیری را هرزمانی و هر مکانی کرده است. پژوهشگران اذعان دارند که معلم یا استاد مهم‌ترین عامل مؤثر در به کارگیری مناسب رسانه‌هاست و فناوری، سازه‌ای کارآ برای یاد دادن‌های مؤثر و مفید می‌باشد. حتی آنان به این حقیقت مهم اشاره دارند که این فرد یا عامل کلیدی (معلم)، عمدتاً جزئی از نظام یاددهی- یادگیری است (رئوف، ۱۳۸۷: ۱۰۹). در آموزش مجازی، تدریس بر مثلث یاددهنده، یادگیرنده و تعامل این دو عنصر استوار است. البته وظایف معلم در محیط مجازی و برخط (آنلاین) با فضای حضوری تفاوت‌هایی دارد.

ورود ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی مدرن و شرایط پیش‌آمده در عصر حاضر، آموزش‌های غیرحضوری دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داده و روش‌های متنوعی از آموزش‌های مجازی در بستر اینترنت را برای فراگیران مهیا کرده است. یکی از ویژگی‌های جامعه امروز، به‌وجود آمدن پدیده‌های نوظهور و اتفاق‌های چالش‌برانگیز در حیطه ارتباطی است که گاهی تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت اجرایی برنامه‌های آموزشی و روش‌های یادگیری را با تغییراتی اساسی مواجه ساخته و به‌نوعی فرهنگ جدید ارتباطی را در قالب و فرم جدیدی برای فراگیران در زمینه‌های گوناگون متحول کرده است و همین امر ضرورت نگرش و شناخت مسیر مواجهه با این نوع مسائل را برای دانش‌آموزان، اولیا و حتی معلمان بیش از پیش نمایان ساخته است. (افشارپور و پورصادق، ۲۰۰۸) سلامت روانی همان سلامت فکر و قدرت سازگاری فرد با محیط و اطرافیان است، همچنان که از جسم خود مراقبت می‌کنیم، باید از روح خود نیز مراقبت کنیم. از اهداف مهم سلامت روانی دانش‌آموزان این است که فرصت را برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و کنار آمدن با خود و دیگران را فراهم کرد، جوامع مختلف سعی می‌کنند سیاست‌های مربوط به سلامت روانی را سازماندهی می‌کنند، اصل کلی در این تلاش سالم سازی محیط فردی و اجتماعی است که افراد جامعه را در بر می‌گیرد، این نگرش حکم می‌کند که خانواده‌های دانش‌آموزان بیش از پیش با مسایل سلامت روانی دانش‌آموزان و چگونگی پیشگیری و درمان بیماری روحی آشنا شوند (علیزاده و سیگارچیان، ۲۰۱۳).

سازمان آموزشی هر کشوری نقش به‌سزایی در پرورش و رشد آن جامعه دارد شاید بتوان اینگونه بیان کرد که آموزش و پرورش هر کشوری از ساختارهای بنیادین و اصلی آن کشور است زیرا مسئولیت پرورش نسل جدید جامعه را دارد و با درایت خود هر ابزار خطر آفرینی برای دانش‌آموزان را باید تحت نظر بگیرد و معایب و مزایای آن را مورد بررسی قرار دهد.

به همین جهت در این موقعیت جامعه و باتوجه به گرایش که افراد در سنین مختلف مخصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی به این شبکه‌های اجتماعی دارند مسئولان مربوطه باید در فکر تصمیمی درست و برنامه ریزی



صحیح برای آینده سازان این جامعه باشند و این امر مستلزم این است که مسئولین مربوطه تاثیر شبکه های اجتماعی بر دانش آموزان را مورد بررسی قرار دهند و باتوجه به آن تصمیمی درست اتخاذ نمایند (غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۱).

یکی از تبعات منفی که ممکن است گریبان گیر دانش آموزان باشد افت تحصیلی ناشی از شبکه های اجتماعی است که دقیقا آینده ی فرد را درگیر می کند و اگر در زمان مناسب با این موارد برخورد لازم صورت نگیرد زندگی فرد رو به تباهی خواهد رفت و روز به روز از هدف زندگی دورتر خواهد شد.

امروزه پررنگ ترین قسمت زندگی افراد باللاخص نوجوانان شبکه های اجتماعی است که بسیار متنوع شده است امروزه نوجوانان بیشتر زمان خود را صرف آن می کنند و به نحوی در زندگی انسان ها پررنگ شده است که به نوعی اعتیاد در بین جوانان تبدیل شده است . شبکه های مجازی به مرور بر سلامت روان افراد نیز تاثیرات منفی بر جای خواهند گذاشت و حتی اگر به موقع با این معضل اجتماعی برخورد نشود ممکن است فرهنگ نوجوانان نیز تحت تاثیر آن تغییر یابد.

محققان مختلف برای بررسی تاثیر شبکه های اجتماعی بر دانش آموزان تحقیقات و پژوهش های مختلف انجام دادند، در آخرین تحقیق صورت گرفته محققان پرسشی را بین ۱۵۰۰ جوان انگلیسی مطرح کردند و از آنها خواستند تا عقیده و نظر خود را درباره ی شبکه های اجتماعی مختلف نظیر فیسبوک ، اینستاگرام ، اسنپ چت ، توییتر و یوتیوب بیان کنند و تمام این نتایج مورد بررسی قرار گرفت که حاوی نظرات مثبت و منفی متعددی بود مطابق این پژوهش تنها شبکه ی اجتماعی که در بین جوانان تاثیر مثبت نداشت یوتیوب معرفی شد . و مخرب ترین نوع آن اینستاگرام و اسنپ چت معرفی شد که تبعات مخرب بسیاری برای جامعه باللاخص جوانان دارد و اثراتی جبران ناپذیر همچون مشکلات خوابی ، اضراب ، تنهایی و... به وجود خواهد آمد البته باید به این موضوع نیز اشاره گردد که این نوع شبکه های مجازی نیز تاثیرات

مثبتی از جمله آگاهی بخشی اجتماع ، تقویت روابط اجتماعی ، تقویت حمایت های انسانی و... بر جای می گذارد اما این موارد تنها در صورتی به وقوع می پیوندد که از این شبکه های مجازی استفاده ی درست شود (رحیمی، ۱۳۹۵:۶).



پیشینه پژوهش

طبق یافته‌های سخاوت (۱۳۸۱) در بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان، ناهنجاری دانش‌آموزان، در مدرسه و بیرون از مدرسه، ریشه‌های مشترکی دارند و نباید آن‌ها را دو پدیده جدا از هم دانست. داشتن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت از خود دانش‌آموز، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه، و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر، در ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه اهمیت بیشتری دارند.

آزاد (۱۳۸۸) در بررسی ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن دریافت: عواملی مانند سن، جنس، وضعیت تحصیلی و خودپنداره، کفایت مادی خانواده، نوع مسکن، میزان پیوستگی با والدین و کنترل و نظارت خانواده، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نوع دوستان، و نوع پنداشت از جامعه، معلم، مدیر و معاونان مدرسه، عوامل تأثیرگذار بر ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان شهرستان اردبیل بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش احمدی و همکارانش (۱۳۸۸)، با عنوان «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی»، حاکی از آن است که گروه‌های هم‌سالان در تقویت رفتار بزهکارانه جوانان از اهمیت زیادی برخوردارند. با این حال، تقویت هویت مذهبی جوانان می‌تواند به کاهش میزان بزهکاری کمک کند. در واقع، دین به‌عنوان یک کنترل‌کننده اجتماعی، جلوی بسیاری از رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان را می‌گیرد. همچنین کاهش محتوای خشونت‌آمیز برنامه‌های رسانه‌های جمعی می‌تواند به کاهش بزهکاری بینجامد.

حسنی (۱۳۷۹) تحقیقی را با عنوان «میزان و علل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی و روش‌های مقابله با آن» در شهر مشهد انجام داد. نتایج این بررسی نشان داد که ناهنجاری‌های

رفتاری، همچون گوش دادن به موسیقی غیرمجاز، رفتارهای خشونت‌آمیز، دروغ گفتن، غیبت کردن، تماشای فیلم‌های غیرمجاز و رابطه با جنس مخالف، در میان دانش‌آموزان بیشترین فراوانی را دارد. دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر ناهنجاری رفتاری داشتند. میزان ناهنجاری‌ها در خانواده از هم پاشیده و آسیب دیده بیش از خانواده‌های دیگر بود.

جیلز (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «بزهکاری با تأکید بر (خشونت، سرقت و وندالیسم) در میان نوجوانان دبیرستان آلبرتا»، با نمونه آماری ۱۸۲ نوجوان ۱۹ - ۱۵ ساله که ۸۴ نفر دختر و ۹۸ نفر پسر آن‌ها بودند، از طریق پرسش‌نامه دریافت که در زمینه بزهکاری، یگانگی (همدلی)، کنترل انگیزشی و تعهدات اجتماعی متغیرهای کلیدی محسوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین یگانگی و کنترل انگیزشی با خشونت و وندالیسم رابطه معناداری وجود دارد، اما بین تعهدات اجتماعی و سه رفتار بزهکاری مورد تأکید رابطه معناداری مشاهده نشد (جیلز، ۲۰۰۶)



مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در تحقیقات انجام یافته، به تناسب موضوع و هدف بررسی آن‌ها، یک یا چند بعد از آسیب‌های اجتماعی و نابهنجاری‌ها و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان یا نوجوانان و جوانان، و نیز علل و عوامل مؤثر بر آن‌ها، به‌ویژه نقش خانواده، گروه‌های همسال، عوامل شخصیتی و روانی و مانند آن بررسی شده، اما نقش و تأثیر آموزش و پرورش، مدرسه و معلم به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار و کاهنده آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تاکنون به‌طور وسیع مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا فرض بر این است که بخشی از کل واریانس آماری و تغییرات آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تحت تأثیر متغیرهای مربوط به برنامه‌های در حال اجرا و اجرا شده توسط مدرسه‌ها و معلمان است که به آن‌ها توجه نشده است.

اطلاعات، فناوری، تعلیم و تربیت

ثروت، قدرت و دانایی از دیرباز از مهم‌ترین عوامل تغییر مناسبات اجتماعی و فرهنگی بوده اند. در جهان سوم، دانایی به ویژه ارزان‌ترین وسیله‌ای است که مردم می‌توانند با استفاده از آن، شرایط اجتماعی و اقتصادی فرزندان خود را تغییر دهند. در جامعه مبتنی بر دانایی، ثروت و قدرت نیز در دانایی متجلی می‌شود؛ بنابراین، دانایی مهم‌ترین ابزار تغییر مناسبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به حساب می‌آید. در دنیای اطلاعات و ارتباطات، دانش، کالای اصلی است که در بازار مبادله می‌شود و منبع ارزش تلقی می‌گردد (سرکارآرانی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد،

همانگونه که رشد و پیشرفت بشر در دانش‌ها و علوم مختلف موجب توسعه توانمندی او را در تولید فناوری‌های نو فراهم آورده، توسعه فناوری‌ها نیز به رشد و توسعه دانش و اطلاعات کمک کرده است، ضعف‌ها و مشکلات موجود در گسترش دانش و اطلاعات نیز با کمبودهای ناشی از عدم رشد مناسب فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات رابطه مستقیم دارند (نعمتی انارکی، ۱۳۹۰). جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای است همراه با خدمات اطلاعاتی رسانه‌های همگانی که با آهنگی سریع تر از دیگر جوامع و از راه تسلط بر اندوخته‌های تجربی و دانش محض به پیش می‌رود؛ جامعه‌ای که ارتباطات، عامل انتقال‌دهنده واقعی برای ایجاد تغییر و تحول در هر فرد به منظور دستیابی عملی به اطلاعات بی‌حد و مرز است و در آن، ارتباطات و شبکه اطلاعات جهانی جایگزین ارتباطات تلفنی جهانی شده و تولید ارزش‌های اطلاعاتی عامل تعیین‌کننده‌ای در توسعه جامعه است. در جامعه اطلاعاتی الگوهای سطح زندگی شغلی، اوقات فراغت، نظام آموزشی و عرصه داد و ستد مشخصاً از پیشرفت اطلاعات و دانش فنی متأثر است. این پدیده نشأت گرفته از رشد فزاینده تولید انبوه اطلاعات در طیف گسترده رسانه‌های جمعی است که اکثر آنها نیز به صورت الکترونیکی ظهور می‌کنند. جامعه‌ای که در آن کیفیت زندگی، گستره دگرگونی اجتماعی و توسعه اقتصادی به گونه‌ای روزافزون به اطلاعات و بهره‌وری از آن متکی است (نشاط، ۱۳۸۴).



تحولات عظیمی که اخیراً رخ داده، جوامع را دچار تغییرات اساسی نموده است. به طوری که این تغییرات باعث دگرگونی های عظیمی در آموزش و پرورش شده است. الگوهای آموزش و پرورش مدرسه را تبدیل به الگوهای یادگیری محور کرده و دوران آموزش های دیجیتالی را آغاز نموده است، دورانی که یادگیری به بیرون از مدرسه و دانشگاه راه یافته و در محیط خانه، محل کار و در هر جای دیگری قابل دریافت است. در واقع همه این تحولات نتیجه رشد تکنولوژی های ارتباطی است (باترو، ترجمه پاسبان رضوی، ۱۳۸۴). ما در دنیای زندگی می کنیم که در حال تغییر شتابان است. رشد سریع اطلاعات ما را بر آن می دارد که محیط های یادگیری را به گونه ای سازماندهی کنیم که دانش آموزان را برای رویارویی با چالش های آینده آماده کند. دانش آموزان در این محیط ها باید یاد بگیرند که چگونه از فناوری اطلاعات استفاده کنند. ورود فناوری های جدید، علاقه به کسب دانش با روش های متنوع و متناسب با موقعیت های مختلف را افزایش داده است. به طوری که امروزه می توان ادعا نمود که میزان اطلاعات بشر هر چهار یا پنج سال دوچندان می شود. به عبارت دیگر مجموع اطلاعات قابل دسترس برای یک دانشجو در سال ۱۹۹۷ کمتر از

یک درصد اطلاعاتی است که در سال ۲۰۵۰ در دسترس دانشجوی دیگر قرار می گیرد (صیف و بیرانوند، ۱۳۸۸).

یکی از راه های برخورد منطقی و عقلانی با انقلاب اطلاعات، اهتمام به امر آموزش و پرورش است که ابتدا باید قدرت مواجه انسان را بالا ببرند و انسان را طوری آموزش دهند که به سرعت خود را با تغییرات مداوم انطباق دهد و با ایجاد تحول در بینش، دانش و نگرش و افزایش مهارت های فردی و اجتماعی، آنان را به صورت فعال و اثرگذار برای مواجه با تحولات و تغییرات آماده کنند (جلالی، ۱۳۸۲). معلم به دلیل ارتباط زیادی که با دانش آموزان دارد بیش از همه می تواند به علایق و استعداد های آنها پی ببرد و در اول برنامه های مشاوره و راهنمایی قرار گیرد. یکی از معلمان مشهور می گوید: من به این نتیجه قاطع رسیده ام که عامل تعیین کننده هستم. حال و هوای کلاس را روحیه روزانه من می سازد. من قدرتی دارم که می توانم زندگی شاگردانم را تلخ یا شیرین کنم، می توانم تحقیر و تمسخر کنم، صدمه بزنم، یا درمان کنم (پورعلیرضا توتکله، ۱۳۹۰).

با رجوع به آمارها و اطلاعات درباره میزان گسترش تکنولوژی اطلاعات در آموزش در کشورهای مختلف، متوجه می شویم که در بسیاری از آنها، هم کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه، برنامه های جامعی را برای تجهیز مدارس به تسهیلات رایانه ای، اینترنت و تکنولوژی اطلاعات، در دست اقدام دارند. با در نظر گرفتن گسترش روزافزون تکنولوژی اطلاعات و پیامدهای آن بر انسان ها و جوامع، آشنایی دانش آموزان و معلمان با این تکنولوژی و نیز توانایی در استفاده از آن اساسی است (توکل، ۱۳۹۰). با ظهور فناوری جدید، حرفه تدریس از تأکید بر معلم محوری و آموزش مبتنی بر سخنرانی به فراگیر محوری و محیط های



یادگیری تعاملی تغییر یافته است. باید توجه داشت آنچه که تدریس را تغییر می دهد فناوری نیست، بلکه این افراد هستند که اعمال تغییر می کنند و معلم در درجه اول باید به نیرویی موثر و کارآمد تبدیل شود. لذا صرفاً کاربرد فناوری مهم نیست، بلکه معلم باید روش های تفکر را که اغلب توسط فناوری در اختیار او قرار می گیرد، مدنظر قرار دهد (resta, ۲۰۰۰).

با وجود اینکه بسیاری از دانش آموزان، امروزه از امکاناتی همچون فیس بوک، ایمیل و سایر شبکه های اجتماعی به عنوان شکل اصلی ارتباطشان با خانواده و دوستانشان استفاده می کنند و نیز این راه ها ممکن است راحت ترین راه های ارتباطی باشند، لازم است که یک مرز حرفه ای در زمانی که این ابزارها وارد ارتباط میان معلمان و دانش آموزان می شوند، وجود داشته باشد. لازم است.

که معلمان و دانش آموزان این مرز را بشناسند و به آن احترام بگذارند. با وجود آنکه این شبکه های اجتماعی ارزش های مثبتی می توانند داشته باشند مانند یادآوری کردن تکالیف بعدی به دانش آموزان، اطلاع رسانی درباره جلسات یا فعالیت های عملی و جواب دادن به سؤالات مربوط به تکالیف خانه، ولی ضروری است که معلمان درباره فیس بوک، توییت کردن، پیام فوری و ارسال ایمیل به دانش آموزان محتاط و معقول عمل نمایند. اگر معلمان از رسانه های ارتباط الکترونیکی به صورت حرفه ای و مسئولانه استفاده نمایند، دیگر جایی برای هیچ نوع سوء تفاهمی باقی نمی ماند (Hunter, 2012). معلمان و دانش آموزان، عنصرهای اصلی نظام آموزش و پرورش محسوب می گردند که باید خود را این فناوری ها همگام و همسو کنند. امروزه معلم به عنوان مهم ترین منبع در سازمان آموزش و پرورش بدون آگاهی داشتن از پیچیدگی تحولات هرگز قادر نخواهد بود وظیفه خطیر خود را بطور شایسته انجام دهد (بختیاری و احمدی، ۱۳۸۶). آموزش و پرورش که قرار است انسان را برای آینده آماده کند. بنا بر همین وظیفه، باید توانایی رو به رو شدن با چالش هایی را که تحولات کنونی رو در روی نسل حاضر قرار می دهد، داشته باشد. از این رو، ماهیت آن زاینده، پویا، تغییرپذیر و منعطف است و ناگزیر رو به رشد و تعالی و تغییر. افزون بر آن، آموزش و پرورش به منزله پرورش دهنده نیروی انسانی مورد نیاز در فرآیند تعامل فناوریانه عصر حاضر، نقش بی بدیل خود را در جهان همچنان حفظ کرده است. حفظ و حراست نظام تعلیم و تربیت از این نقش اساسی با دگرگونی هایی همراه بوده است. امروزه، تقریباً تمام کسانی که به هر نحو طرفدار توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می کنند، توجه به اصل تعلیم و تربیت و تلاش در راه آن می تواند امر توسعه را پیش ببرد و با مسیر جهان هماهنگ کند. در عصر حاضر تأکید نظام آموزش و پرورش بر انتقال دانش نیست و نقش مدرسه با گذشته تفاوت بسیار کرده است. آموزش و پرورش به جای پرداختن به مواد درسی به کل انسان می پردازد و به تمام ابعاد زندگی او توجه می کند. معلم در نظام جدید آموزش و پرورش در مقام یاور در بالندگی انسان، ایفای نقش می کند نه انتقال دهنده اطلاعات. شاگرد پرسشگر، خردگرا و فعال است نه شنونده ای منفعل و پذیرا. انفجار دانش در علوم و فناوری و توسعه آن در کلیه شئون زندگی



انسان و از جمله به حوزه آموزش و پرورش موجب شده که نظام های آموزشی نیز از این فناوری های جدید برای توسعه اشکال جدید آموزشی مانند آموزش از راه دور، آموزش باز، آموزش مجازی و غیره استفاده کنند. به علاوه ورود رایانه ها به نظام آموزش، نظام یاد دهی- یادگیری و آموزش سنتی را تحت تأثیر قرار داده است. مهم ترین نکته این است که ورود فناوری های جدید به آموزش، رشد بی سابقه دانش و جهانی

شدن، مشکلات بسیاری را نیز در آموزش موجب شده و چالش های جدیدی را برای این نهاد به وجود آورده است. چالش هایی همچون آموزش کلیه افراد در سراسر زندگی، تربیت معلمان نخبه و توانمند به عنوان عامل توسعه در جامعه اطلاعاتی، تحول در ساختار آموزش و پرورش، استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در آموزش، مدیریت غیرمتمرکز و انعطاف پذیر، شهروندانی در ابعاد مختلف و غیره (صبور خورشاهی، کاوسی، حقیقی، ۱۳۹۲).

نقش عوامل مدرسه در کاهش آسیب های اجتماعی

زندگی در مناطق حاشیه ای و جرم خیز تمایل به جرم را در افراد افزایش میدهد. تحلیل فضای بزهکاری مبین این است که به طور کلی در بعضی بخش های شهر به دلیل ساختار و بافت کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، میزان وقوع بزهکاری و جرم زیاد است (گرینبرگ، ۱۹۸۴: ۴۷).

تاکنون در زمینه علل و عوامل بروز آسیب ها و جرایم شهری در مناطق حاشیه ای، فقیر نشین و کمتر توسعه یافته کلانشهر ها، مطالعات و پژوهش های زیادی صورت گرفته است و عمدتاً رفع این آسیب ها در گرو اجرای برنامه های بنیادین برای رفع فقر و محرومیت اقتصادی و توانمندسازی این مناطق در تسهیلات و خدمات شهری، در نظر گرفته شده است. اما با صحنه گذاشتن بر لزوم این راهکارها باید گفت در زمینه پیشگیری و مقابله با رشد روز افزون آسیب ها در مناطق فقیرنشین به نقش و اهمیت آموزش های شهروندی به ویژه آموزش های مؤثر و فراگیر مدرسه ای چه در حیطه نظری و چه در بعد اجرایی و عملی، بسیار کم پرداخته شده است.

نوجوانان با داشتن ویژگی هایی از قبیل هیجان طلبی، خطر پذیری و تحریک پذیری، مستعد آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر هستند. منظور از رفتارهای پرخطر، هرگونه رفتاری است که موجب تهدید سلامت جسمانی و روانی و اجتماعی فرد شود و این رفتارها از رانندگی مخاطره آمیز تا مصرف موادمخدر و خشونت را در برمی گیرد (منصور کیایی، ۱۳۹۴: ۸).



در بحث پیشگیری و کنترل آسیب های اجتماعی توجه به قشر نوجوان و جوان در این مناطق، اهمیت زیادی دارد. امروزه شیوع رفتارهای پر خطر در بین نوجوانان به یکی از تهدید کننده های سلامت اجتماعی تبدیل شده است. طی چند دهه اخیر برنامه های آموزش و پیشگیری از رفتارهای پر خطر به

منظور توسعه دانش، اطلاعات و مهارت های مقابله با آسیب های اجتماعی در همه کشورها دارای جایگاه خاصی است. در کشور مانیز در اسناد تازه تدوین شده بالادستی به این امر اشاره شده است. در وزارت آموزش و پرورش، دفتر مراقبت در برابر آسیب های اجتماعی بوجود آمده و این دفتر تلاش هایی را در جهت برنامه های مقاوم سازی دانش آموزان آغاز نموده است. در روند تألیف کتاب های درسی جدید که از حدود چهار سال قبل آغاز شده موضوعات و مهارت های مقابله با رفتارهای پر خطر هر چند به طور اندک به دو کتاب درسی مطالعات اجتماعی و تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه راه یافته است. با این حال به نظر می رسد این اقدامات اگر چه فی نفسه ارزشمندند اما هنوز حتی پاسخگویی نسبی در برابر معضلات رو به افزایش آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر به ویژه در مناطق خاص شهری ندارند و نیازها را در این زمینه برآورده نمی سازند.

بدون شک افزایش بی رویه جرایم و ناهنجاری های اجتماعی در شهرها علاوه بر ایجاد حس ناامنی و بدبینی، تأثیرات روحی- جسمی و مالی بر دوش شهروندان می گذارد. مهم تر اینکه وقوع جرایم، تعقیب و مجازات مجرمین و مقابله با ناهنجاری ها مستلزم تشکیلات گسترده قضایی انتظامی، امکانات وسیع و صرف هزینه های گزاف مالی برای دولت و به طور کلی بخش عمومی جامعه است (کلانتری و آیت اللهی، ۱۳۸۶: ۴۷). بنابراین لزوم پیشگیری از جرم از طریق دستگاه های نظارتی و تربیتی اهمیت و ضرورت خود را نمایان می سازد و در این زمینه آموزش و پرورش رسمی با توجه به فراگیر بودن و نقش آن در زندگی نوجوانان و خانواده ها جایگاه ویژه ای دارد.

به طور کلی در زمینه علل و عوامل رفتارهای پرخطر، اعتیاد و کج روی های دانش آموزان در کشور ایران مطالعات و پژوهش های متعدد جامعه شناسی و روان شناسی انجام شده است اما از آنجایی که برنامه های آموزشی پیشگیرانه ی مدرسه محور هنوز در آغاز راه بوده و جایگاه عملی چندانی در مدارس پیدا نکرده اند، در زمینه نقش مدرسه و یا بررسی اقدامات محدود انجام شده در مدارس ایران تحقیقی صورت نگرفته و در برخی پژوهش ها فقط به فقدان آموزش های مدرسه محور اشاره شده است. برای مثال فتحی و همکاران در پژوهشی با عنوان شناسایی علل گرایش روان شناختی نوجوانان به رفتارهای پر خطر، به فقدان برنامه های آموزشی پیشگیرانه در مدارس در دوره متوسطه اشاره نموده و تنظیم کتابچه آموزشی مرتبط با پیشگیری از بزهکاری و آموزش آن توسط پلیس را به عنوان یک راهکار پیشنهادی مطرح نموده اند (فتحی و ذاکری پور ۱۳۹۳: ۱۱۷).

به عکس در برخی کشورهای دیگر به ویژه امریکا تدوین برنامه های آموزشی پیشگیری و مقابله با خطر در آموزش و پرورش سابقه دیرینه دارد و به همین سبب تحقیق ها و پروژه های ارزیابی از این آموزش ها نیز فراوان است. از اولین برنامه های آموزش مدرسه محور در زمینه مقابله با موادمخدر و الکل می توان به برنامه های اتحادیه



زنان مسیحی در امریکا و کانادا در قرن نوزدهم اشاره کرد. هر چند استانداردها یا مدل های عمومی برای برنامه های پیشگیری که قابل تعمیم به همه کشورها باشد وجود ندارد، اما در متن یک آموزش رسمی، برنامه های پیشگیری حداقل یک دوره دوساله و میانگین حداقل ۸ ساعت در هفته برای کسب مهارت های مربوطه را نیاز دارد. در امریکا در طی چند دهه اخیر برنامه های فشرده در این زمینه تدوین شده است.

در بریتانیا علاوه بر برنامه های جدید به مشاوران مدرسه و آموزش معلمان توجه زیادی شده است و از سال ۱۹۸۶ چند برنامه ویدئویی در قالب بسته های آموزشی تولید شده است (یونسکو، ۱۹۹۵: ۲۸). در هلند برنامه های مبتکرانه ای در مدارس به صورت نمایش و بحث های گروهی تدوین و اجرا شده است. آلمان سابقه طولانی در آموزش های مدرسه محور در زمینه پیشگیری از رفتارهای پرخطر و مقابله با موادمخدر دارد و با برخی دانشگاه ها در زمینه تربیت دبیر در این حیطه همکاری نموده است. هر چند کشور آلمان بیشتر بر راهکار های جایگزین مانند گسترش پروژه های هنری و تئاتر و موسیقی و امثالهم در بین نوجوانان تأکید دارد (همان: ۳۰).

مدارس به سه دلیل در زمینه آموزش شهای پیشگیری از مواد مخدر مناسب ترین گزینه هستند زیرا:

(۱) پیشگیری باید در مقطعی صورت بگیرد که باورها و نگرش های دانش آموزان هنوز تثبیت نشده است

(۲) مدارس نظام مند ترین شیوه برای دسترسی به نوجوانان هستند

(۳) مدارس قادرند طیف وسیعی از خط مشی ها را در زمینه پیشگیری به کار ببرند (آکادمی بیماریهای کودکان آمریکا، ۲۰۰۷: ۴۳).

سویا پا در گزارش طرح ملی ارزیابی برنامه های پیشگیری از مواد مخدر در امریکا اظهار می دارد که تغییر نگرشها و ادراک نسبت به رفتارهای پرخطر در پایه های پایین تر مدرسه و پایه های بالاتر دبیرستان کارایی کمتری نسبت به پایه های دوره نوجوانی و بلوغ دارند و هدف اصلی را باید این گروه میانی تلقی کرد (سویا پا و تورن، ۱۹۹۷: ۲۸). اداره پیشگیری و کنترل جرم سازمان ملل متحد مهم ترین اولویت مدارس را آموزش موثر مهارت ها و ارتقا دانش و درونی سازی ارزش های دانش آموزان در این زمینه میداند

و نه تمرکز بر کنترل رفتار آنها. زیرا رفتار دانش آموزان به تاثیر عوامل مختلف خارج از مدرسه وابسته است (سازمان ملل، ۲۰۰۴: ۷۶).

گوتفردسون در نتایج بررسی ملی بیش از ۳۰۰۰ مدرسه که آموزش های پیشگیرانه در آنها اجرا می شود با توجه به غلبه آموزش های کم اثر، لزوم حمایت مدیران، استاندارد نمودن برنامه، مواد و روشها و حمایت گسترده سازمان ها و نهادهای محلی برای کیفیت بخشی به این آموزش ها را پیشنهاد نموده است (گوتفردسون و همکاران، ۲۰۰۲: ۷۶).



در نظام آموزش و پرورش ایران نیز با گذشت زمان توجه به ضرورت آموزش های پیشگیری در حال افزایش است و همان طور که پیش تر گفته شد تنها می توان به مطالعات انجام شده در حیطه تدوین اسناد راهبردی اشاره نمود:

در مبانی نظری سند تحول بنیادین در وظایف دولت اسلامی قید شده کودکانی که والدینشان صلاحیت اخلاقی یا تمکن مالی و امکانات رفاهی یا سلامت جسمانی و روانی ندارند، در صورتی که والدین وظیفه تربیتی خود را ایفا نکنند، دولت باید این وظایف را برعهده بگیرد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۳: ۲۱۶). در سند تازه تدوین شده برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بند ۳۷ آمده است که برنامه های درسی باید به تفاوت های ناشی از محیط زندگی شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی، جغرافیایی توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشند (برنامه درسی ملی ۱۳۹۱: ۱۰). همچنین در بیانیه حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی این سند، بر ایمنی و پیشگیری از آسیب های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف تأکید شده است (همان: ۱۰).

نقش الگوشوندگی معلم

یکی از راه های پرورش نیروی انسانی در سطح کلان اجتماعی، الگوسازی است. اسوه ها نمونه های بشری هستند که گفتار، کردار و سلوک و عقیده شان سرمشق عینی دیگران و روش، منش و بینش آنان مورد تأیید دین و معیار زندگی دیگران قرار می گیرد (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۴۵-۵۹). معلمان اخلاق مدار و صاحب علم و فرزاندگی، در زمره معلمان الهام بخش قرار دارند که افق خویش را از سطح انتقال معلومات و داده های علمی فراتر می برند و با صید قلب ها و فرصت ها شاگردان را در پی خود می برند و با تأثیرگذاری عمیق در وجود ایشان، شأنی پیامبرگون یافته اند (رمضانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۷). این فرزاندگان متعهد، به عنوان نمونه های عینی هدایت، به طریقی مؤثر آحاد جامعه را در مسیر تعالی و رشد و بالندگی قرار خواهند داد و با پرورش شاگردانی متکی بر فضیلت و علم و تقوا حتی بعد از مرگ نیز همچنان برای افراد انسانی نقش الگو و اسوه

خواهند داشت. اسوه ها مهم ترین سرمایه های اجتماعی اند که قادرند افراد را بدون تهدید و یا تشویق، به سمت و سوی خود جذب کنند. اینان در حقیقت از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان، آنان را وادار می کنند بدون اکره، موضوعی را بپذیرند و یا مانند آن عمل کنند (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۵: ۱۵). بنابراین، نهادینه سازی ارزش ها و رفتارهای صحیح در پرتو اسلام ناب محمدی (ص) در اذهان و رفتار دانش آموزان بیش از هر چیز به نحوه رفتار و گفتار و کردار معلمان بستگی دارد. نفوذ معنوی معلم در بین مخاطبان و در اصطلاح امروز «قدرت نرم (Soft power)» از جمله مسائل مهم تأثیرگذار در دیگران است.

به طور کلی، قدرت به معنای توانایی اعمال نفوذ در رفتار دیگران برای دستیابی به نتیجه مطلوب و اهداف دلخواه است. زور، تطمیع و ارباب از روش های گوناگون نیل به قدرت است که از آن به قدرت سخت (Hard)



(power) تعبیر شده است. تشخیص اینکه قدرت می‌تواند بدون کاربرد تهدید یا تشویق به صورت ناخودآگاه بر روان مخاطب اثر بگذارد، در آرای اندیشمندانی چون جوزف نای (Joseph Nye) و میشل فوکو (Michel Foucault) و دیگران قابل بررسی است (اسکندری، رستم‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۵) که از آن به قدرت نرم تعبیر می‌کنند. تأثیر قدرت نرم تا حد زیادی بستگی به قبول مخاطبان دریافت‌کننده دارد (ترابی، ۱۳۸۹: ۸۷). ماهیت قدرت نرم در گفتمان اسلامی به شدت اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی است. خدامحوری، توسل و ارتباط معنوی با معصومین - علیهم‌السلام - عدالت‌خواهی، خوش‌خویی و تعامل درست با دیگران از جمله مؤلفه‌های قدرت نرم در اسلام به شمار می‌رود. همچنین، اعتقاد به اصل امامت و پیروی از ولایت فقیه در فرهنگ سیاسی شیعه یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در قدرت نرم به شمار می‌رود (ملک‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

معلم در جریان آموزش باید به بینش و نگرش خود صبغه الهی ببخشد و با بهره‌گیری از نقش الگوشوندگی خویش در جهت اصلاح نسل نوجوان و تعالی آن به سوی توحید گام بردارد. او می‌تواند در پرتو شریعت، ارتباط با پروردگار، توسل به معصومین (ع)، رعایت تقوا و سبک زندگی اسلامی را به‌عنوان مبانی فکری ارزش‌ها برای مخاطبان خود تبیین نماید (فرهادیان، ۱۳۹۸: ۱۸-۱۵). از این روی، توجه به ارزش‌ها و نهادینه‌کردن آن در دانش‌آموزان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ارزش‌ها حیات یک ملت را به وجود می‌آورند. اموری که برای یک ملت مطلوب و پذیرفته شده هستند و افراد، رفتار و گفتار خود را بر پایه آن امور موجه و مشروع می‌دانند، «ارزش» نامیده می‌شود (ملکی، ۱۳۷۶: ۳۳). تنها معرفی ارزش‌ها کافی نیست بلکه باید آن‌ها را در طبیعت مخاطب، نهادینه ساخت.

نهادینه‌کردن ارزش‌ها در حقیقت عملیاتی‌کردن و اجرایی نمودن سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور است (فرهادیان، ۱۳۹۸: ۱۹، ۲۵ و ۲۷).

یکی از اصول مهم نهادینه‌سازی ارزش‌ها عامل بودن خود معلم و یا مربی بدان‌هاست. بهترین روش تربیت آن است که مربی خود را تربیت کند (مظاهری، ۱۳۷۶: ۲۲)؛ چرا که گفتار و رفتار معلمان و مربیان همواره در برابر دیدگان نقاد نوجوانان قرار دارد. امام علی (ع) در حکمت هفتاد و سوم نهج‌البلاغه درباره اهمیت تربیت نفس، به‌خصوص از سوی رهبران و پیشوایان مردم، می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمِ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبَهَا أَحَقُّ بِالْأَجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»؛ کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت بر مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران می‌پردازد، به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب و تعلیم او نسبت به دیگران پیش از آنکه با زبانش باشد، با عمل صورت گیرد و کسی که معلم و ادب‌کننده خویش است، به احترام سزاوارتر از کسی است که معلم و مربی مردم است (مکارم، ۱۳۹۰: حکمت ۷۳).

نتیجه‌گیری



آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان در کاهش رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این یافته با یافته‌های گورمن (۲۰۰۲)، و بوتین و همکارانش (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد. در این تحقیقات نیز آشکار شد که آگاهی از مهارت‌های زندگی، به‌عنوان عاملی محافظت‌کننده در پیشگیری و یا کاهش سوء‌مصرف مواد، نقش مهم و مؤثری دارد. زیرا با آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه، دانش‌آموزان هم از ارزشیابی خود از رفتارهای پرخطر آگاه می‌شوند و هم به‌طور مستقیم در مقابله با نگرش‌های معلمان درباره آسیب‌های اجتماعی تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. از این‌رو، آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان در مدرسه، مهارت‌های فردی و بین‌فردی آن‌ها را در رسیدن به هدف‌ها و تأمین نیازهایشان تقویت می‌کند. همچنین، آن‌ها را با نگرش‌های متفاوت و ناهم‌ساز با نگرش‌های خود مواجهه می‌سازد تا دانش‌آموزان در نگرش‌های خود تجدیدنظر و نگرش‌های نادرست خود را اصلاح کنند.

همچنین براساس یافته‌های به دست آمده از نمونه مورد بررسی مشخص شد که نظارت در مدرسه در کنترل رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این یافته هم‌سو با یافته‌های تحقیقات گازمن و بوش (۲۰۰۷)، فریک (۱۹۹۳)، آماتوکیت (۱۹۹۱) و عیسی مراد (۱۳۹۰) و منطبق با «نظریه هیرشی» است. دانش‌آموزانی که تعهد و روابط محکمی با والدین و مدرسه دارند، تا حد کمتری درگیر رفتار مجرمانه

می‌شوند. آسیب‌های اجتماعی در مدرسه هنگامی به وجود می‌آیند که تعهد دانش‌آموز به مدرسه ضعیف باشد و یا از بین برود. نبود تأیید اجتماعی و ایجاد احساس گناه در دانش‌آموزان توسط عوامل اجرایی مدرسه، ارتکاب رفتار پرخطر و مخاطره‌آمیز توسط آنان را کاهش می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای مخاطره‌آمیز در میان دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران است و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، از جمله اجرای طرح مدرسه‌های مراقب و آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه، در کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر بوده است.



احمدی، ی. (۱۳۸۸). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها (مطالعه موردی: شهر سنندج). معرفت فرهنگی اجتماعی. (۱)، ۱۷-۴۴.

حجازی، ا.، نامداری، و.، قاسمی، م.، مقدم‌زاده، ع. (۱۳۹۵). طراحی و ساخت ابزار میزان و نگرش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بررسی رابطه آن با عملکرد تحصیلی. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی. (۳)، ۶۵-۷۸.

خواجه احمدی، م.، پولادی، ش.، و بحرینی، م. (۱۳۹۵). طراحی و روان‌سنجی پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل. نشریه روان‌پرستاری. (۴)، ۴۲-۵۰.

تموک، فاطمه، ابراهیمی، مرتضی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه وابستگی به پیام‌های کوتاه تلفنی و از خودبیگانگی با فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه اردبیل. مجله روانشناسی مدرسه، (۲)، ۳۹-۵۴.

ترابی، طاهره. (۱۳۸۹). «بازخوانی قدرت نرم (با تأکید بر فرهنگ ایرانی-اسلامی)»، از مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، اصغرافتخاری و همکاران. چاپ دوم. نشر دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه جامعه امام حسین (ع) و پژوهشکده پیامبراعظم (ص)، تهران.

قاسمزاده، علی (۱۳۹۳) دجال واره - بررسی آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، به سفارش معاونت فرهنگی سازمان بسیج مستضعفین، تهران، مجتمع تبلیغاتی شرق

رزایفر، افسر (۱۳۷۹) الگوی جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران (با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن. مطالعات ملی، سال ۲

قاسمزاده، علی (۱۳۹۳) دجال واره - بررسی آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، به سفارش معاونت فرهنگی سازمان بسیج مستضعفین، تهران، مجتمع تبلیغاتی شرق

حجت‌الله مرادی، شعبان‌تیا، (۱۳۹۸) تأثیر شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بر نهاد خانواده و راهکارهای مقابله، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک

رضانی، مزده، صالحی، مریم، نمیریانیان، نسیم، صالحی، مهتا. (۱۳۹۱). بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ی ارزیابی اعتیاد اینترنتی چن. اصول بهداشت روانی، ۱۴ (۵۵)، ۲۳۶-۲۴۵.

رفیعی پور علوی، محسن. (۱۴۰۰). پیش‌بینی از خود بیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس فرهنگ مدرسه و حمایت اجتماعی ادراک شده. الگوهای نوین مدیریت کسب و کار. ۴. ۱-۱۱.



زندوانیان، احمد، حیدری، مریم، باقری، ریحانه، عطارزاده، فاطمه. (۱۳۹۲). آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر. مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۴ (۲۳).

ساری، جواد، سپهریان‌آذر، فیروزه، واحدی، شهرام. (۱۳۹۳). تحلیل چندسطحی از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان: نقش فرهنگ مدرسه و نیازهای روانشناختی اساسی. پژوهش در یادگیری آموزشی، ۲ (۵)، ۴۳-۵۴.

سید ابراهیمی، سمیه. (۱۳۹۲). رابطه احساس بیگانگی و خودپنداره با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دختر شهرستان اندیمشک. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

فارسی، زهرا، علیاری، شهلا، احمدی، یزدان، آفاقی، عفت، سجادی، اعظم. (۱۴۰۰). بررسی رضایتمندی از کیفیت دوره تحصیلی و آموزش مجازی طی پاندمی کووید - ۱۹ درد دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی آجا در نیمسال دوم ۱۳۹۸-۹۹. مجله طب نظامی، ۲۳ (۲)، ۱۸۵-۱۷۴.

محسنی، فرید (۱۳۹۰)، «سهم کودکان و نوجوانان از حمایت کیفی در فضای مجازی و حقیقی»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱.

مردانی، حمید و شیخی، علی اکبر و کاوسیان، جواد (۱۳۹۱)، "شیوع شناسی مصرف مواد مخدر در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس"، اعتیادپژوهی و سوءمصرف مواد، سال ششم، شماره ۲۳.

میمنت‌آبادی، قباد و همکاران (۱۳۹۹)، «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحول هویت (مورد مطالعه: شهروندان سنندج)»، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، شماره ۳۵.

مؤمنی، سعید (۱۳۸۸). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به خشونت در شهر سرآبله. دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.

Greenberg S and W.Rohe (1984), Neighborhood Design and Crime, APA Journal Vol 50:1

Gottfredson Denise. C et al (2002) Quality of School-Based Prevention Programms:Results from a National Survey, Journal Research in Crime and Delinquency ,vol 39

Ahmadi, Y. (1388). The state of religiosity and attitude towards the future of religion among generations (case study: Sanandaj city). Social cultural knowledge. 1(1), 17-44.



- Hijazi, A., Namdari, V., Ghasemi, M., Moghadamzadeh, A. (2015). Designing and building a measure and attitude tool to use social networks and investigating its relationship with academic performance. Quarterly journal of research in school and virtual learning. 4(3), 78-65.
- Khajeh Ahmadi, M., Poladi, Sh., and Bahraini, M. (2015), design and psychometrics of mobile-based social network addiction questionnaire. Journal of psychiatric nursing. 4(4), 50-42.
- Tamuk, Fatemeh, Ebrahimi, Morteza. (2015). Investigating the relationship between addiction to text messages and alienation with academic burnout of secondary school girls in Ardabil. Journal of School Psychology, 5(2), 39-54.
- Torabi, Tahereh. (1389). "Rereading soft power (with an emphasis on Iranian-Islamic culture)", from the collection of articles on soft power and social capital, Asghar Aftekhari et al. second edition. Publication of Imam Sadiq University (AS) and Imam Hossein (AS) Community University and Prophet's (AS) Research Institute, Tehran.
- Ghasemzadeh, Ali (1393) Dajjal Vareh - Investigation of the damage of satellite networks, commissioned by the Cultural Vice-President of Basij Mustafafin Organization, Tehran, Sharq Advertising Complex
- Razazifer, Afsar (1379) Sociological model of national identity in Iran (with emphasis on the relationship between national identity and its dimensions). National studies, year 2
- Ghasemzadeh, Ali (1393) Dajjal Vareh - Investigation of the damage of satellite networks, commissioned by the Cultural Vice-President of Basij Mustafafin Organization, Tehran, Sharq Advertising Complex
- Hojatullah Moradi, Shabantia, (2018) The effect of satellite television network on the family project and coping strategies, Strategic Defense Studies Journal
- Ramezani, Mojdeh, Salehi, Maryam, Nimirianian, Nasim, Salehi, Mehta. (2011). Checking the validity and reliability of Chen's internet addiction assessment questionnaire. Principles of Mental Health, 14(55), 236-245.
- Rafiipour Alavi, Mohsen. (1400). Prediction of students' academic alienation based on school culture and perceived social support. New models of business management. 4. 1-11.



- Zandavanian, Ahmed, Heydari, Maryam, Bagheri, Reyhane, Attarzadeh, Fatemeh. (2012). Harms of cyberspace among female students. *Culture Studies - Communication*. 14(23).
- Sari, Javad, Sepahrian-Azer, Firouzeh, Vahedi, Shahram. (2013). A multilevel analysis of adolescent academic alienation: the role of school culture and basic psychological needs. *Research in school learning*, 2(5), 43-54.
- Seyed Ebrahimi, Samia. (2012). The relationship between feelings of alienation and self-concept with academic performance in female students of Andimshek city. Master's thesis in psychology, Islamic Azad University, Ahvaz branch.
- Farsi, Zahra, Aliari, Shahla, Ahmadi, Yazdan, Afaghi, Efat, Sajadi, Azam. (1400). Survey of satisfaction with the quality of the academic course and virtual training during the covid-19 pandemic of nursing students of Ajah University of Medical Sciences in the second half of 2018-2019. *Military Journal*, 23(2), 174-185.
- Mohseni, Farid (2018), "The contribution of children and teenagers to criminal protection in virtual and real space", *Criminal Law Teachings*, No. 1.
- Mardani, Hamid and Sheikhi, Ali Akbar and Kausian, Javad (2012), "Epidemiology of drug use among students of Bandar Abbas Islamic Azad University", *Addiction and Substance Abuse Research*, Year 6, Number 23.
- Maimantabadi, Ghobad et al. (2019), "The role of virtual social networks in identity transformation (case study: citizens of Sanandaj)", *Social-Cultural Strategy Quarterly*, No. 35.
- Momeni, Saeed (2008). Sociological study of the influencing factors on the tendency of young people to violence in Sarabla city. Azad University, North Tehran Branch.